

۸۶۱۳۸
۱۷۰۲۹

فاطمه زهرا(س)، محبوبه خداوند

کتاب / ۱۲ تیر ۸۶

خلیل منصوری

قرآن پیامبران را به عنوان بهترین نمونه ها و سرمشق علمی و عملی مردمان معرفی می کند و به مهم ترین بخش ها و مؤثرترین لحظات سرنوشت ایشان اشاره می کند تا مردم هر یک به اقتضای نیازها و ضرورت ها به آنان مراجعه و از روش آنان برای دست یابی به اهداف بهره گیرند.

پس از پیامبران، قرآن به گروهی از مردمان که از آنان به عنوان اولیای ربانی یاد می کند اشاره می کند که با پیروی از آیات کتاب های وحیانی، خود را چنان ساخته اند که به عنوان انسان های کامل سرمشق و نمونه عینی دیگران قرار گرفته اند. از این دست انسان ها می توان به لقمان حکیم، ذوالقرنین و خضر (علیهم السلام) از مردان و به مریم، آسیه زن فرعون مصر و فاطمه (سلام الله علیه) از زنان اشاره کرد.

اشاره به این افراد از آن جایی مفید و سازنده است که آنان در مقام پیامبری قرار نداشتند تا این ادعا درباره ایشان مطرح شود که آنان موجودات برتر بودند که قابلیت پیروی از ایشان وجود ندارد. این مطلب از آن رو تأکید می شود که در میان عموم مردم این باور تقویت شده که پیامبران(ع) افراد نادر و مردمان با عنایت خاص الهی بودند که تنها در برخی از امور می توان از آنان پیروی کرد و نمی توان با همه تلاش ها به مقامی از مقامات انسانی ایشان دست یافت.

مقاله حاضر در مقام تبیین این مطالب است که توسط نگارنده به زیور طبع آراسته گردیده است. اینک باهم آن را از نظر می گذرانیم.

گرایش افراطی و تفریطی نسبت به الگوهای دینی

در میان مردم دو گرایش افراط و تفریط همواره وجود داشته و دارد. گرایش و نگرشی که می گوید پیامبران انسان های عادی هم چون دیگر انسان ها هستند و با نگاه به جنبه بشری بودن ایشان امکان هرگونه ارتباط میان انسان و خدا را سلب می کنند و دعوی پیامبری ایشان را به جنون و دیوانگی نسبت می دهند. در این نگرش به پیامبران، آنان حتی از انسان های عادی نیز پست تر و پایین تر می باشند؛ زیرا به دیوانگی و جنون دچار شده و

امکان آن نیست که با آنان همانند دیگر انسان های سالم برخورد و معامله کرد. این گونه است که در اقوام پیشین همواره این گفتمان غالب مطرح بوده است که شما بشری هم چون ما هستید و امکان آن نیست که بشری با خدا که در سطحی بسیار عالی و الایی است ارتباط برقرار شود و وحی آسمانی پدید آید. بنابراین در همه موارد بی کوچک ترین استثنایی همه پیامبران دروغگو شمرده و تکذیب می شدند. پیامبران نیز در واکنش به این بینش و نگرش با اقرار به بشر بودن خویش بر این نکته پا می فشردند که ارتباط میان بشر و خدا شدنی است؛ زیرا اگر انسان مورد توجه قرارگیرد دانسته می شود که انسان تنها همین بشره و پوست و جسم نیست تا ارتباط خدا و انسان و یا انسان و خدا شدنی نباشد؛ انسان افزون بر جنبه مادی و بشری بودن دارای ویژگی های خاصی است که از آن به روح الهی یاد می شود. این جنبه است که امکان ارتباط دو سویه میان انسان و خدا را می دهد. البته این ارتباط تحت شرایطی خاص و با صعود و عروج از یک سو و نزول مرتبه ای از سوی دیگر امکان پذیر و شدنی است. از این روست که پیامبران با تایید بشری بودن خویش بر جنبه دیگر خویش نیز تأکید می ورزند و به این نکته اشاره می کنند که آنان در فرآیند زندگی خویش در این دنیا توانسته اند با عنایت الهی خود را به مقامی برسانند که امکان ارتباط میان آنان و خداوند فراهم آید.

از سوی دیگر گرایش افراطی دیگری وجود دارد که برخاسته از بینش و نگرش فرابشری پیامبران است. این تفکر در مورد برخی از پیامبران پیش از این پدیدار شده بود. تولد استثنایی و اعجازی روح الله (ع) موجب آن شد تا برخی به جنبه فرابشری پیامبران و یا دست کم برخی از آنان باور پیدا کنند. در این نگرش، پیامبران هر چند در میان بشر هستند ولی موجوداتی دیگر و از ما بهتراند و امکان آن نیست که کسی حتی با تمام ظرفیت و توان خویش بدان دست یابد. به این معنا که آنان موجوداتی هستند که خداوند بر پایه و اساس دیگری آفریده است. هر چند از فرشتگان به شمار نمی آیند ولی در حد بشر و انسان نیز نیستند. آسمانی کردن پیامبران و یا برخی از آنان موجب شد تا امکان تصویر درست از آنان فراهم نیاید و زمینه برای سرمشق گیری و الگوبرداری از آنان از میان برود؛ زیرا کسانی که در مقامی برتر نشسته اند ممکن نیست ما با تلاش و کوشش خود بدان برسیم هرچند که در این راه از همه ظرفیت انسانی خویش نیز بهره گیریم.

چنین تفکر و نگرشی موجب شد تا پیامبران از دایره سرمشق انسانی بیرون بروند و در مقام و جایگاهی دست نیافتنی قرارگیرند. برخی از نحله تصوف و عرفانی به این مسئله دامن زدند و برخی از ظاهرگرایان نیز آن را تقویت کردند. این گونه است که برخلاف دیدگاه و نگرش قرآن و آیات وحیانی کتب آسمانی، پیامبران از حوزه الگوپردازی بیرون رفته و در عمل از اسوه مردمان بودن خارج شدند، هرچند که به ظاهر از آنان به عنوان سرمشق و الگو یاد می کنند و به برخی از رفتار و اعمال ایشان استشهاد و استناد می شود ولی در بسیاری از مواقع از چنین استناد و استشهادی خودداری می شود.

چنین نگرش های نادرستی که با اصول کلی مبنای قرآنی در تضاد است و قرآن و دیگر کتب وحیانی و آسمانی بر این نکته تأکید می ورزند که آنان هر چند که بشری همانند دیگران هستند ولی با تلاش و عنایت الهی توانسته اند به مقام خاصی دست یابند که از آن به مقام انسان کامل یاد می شود ولی این گونه نیست که دیگران نتوانند به این مقام دست یابند. تنها تمایز میان پیامبران و دیگر انسان های کامل در آن است که به پیامبران عنایت خاصی می شود تا در مقام مأموریت و پیامبری قرارگیرند و به نمایندگی از خداوند در میان بشر راهنمای آنان به کمال و سعادت و حقیقت باشند.

مراتب و مقامهای معنوی دست یافتنی

در فرآیند تکاملی انسان، نیازی نیست که همه به مقام نبوت و پیامبری دست یابند؛ زیرا مقام پیامبر مقام مأموریت و تکلیف است و این گونه نیست که اگر کسی مأموریت ویژه ای نیافت به همه مقامات انسانی دست نمی یابد. مقام انسانی در نهایت کمالی آن دسترسی به همه اسمای الهی و ایجاد و تحقق آن در خود است. این امکان برای همگان فراهم است تا به این مقام دست یابند. بنابراین در اصل دست یابی به مقام انسان کامل تفاوتی میان انسان های معمولی و پیامبران وجود ندارد.

و آن چه تمایز خوانده می شود در حقیقت تمایز حقیقی نیست و موجب نمی شود تا آنان از دایره انسان بودن بیرون رفته و امکان پیروی از ایشان از ما سلب شود.

قرآن با تأکید بر این که ما برادری از شما را به عنوان پیامبر به سوی شما برانگیختیم می کوشد تا زمینه این نوع

تفکر و نگرش را از میان بردارد تا انسان‌ها بتوانند از روش و منش ایشان به تمام و کمال پیروی نمایند. آنان نیز همانند دیگران می‌خورند و می‌آشامند و زناشویی می‌کنند و در کوی و برزن می‌گردند و از نعمت‌های خداوند بهره می‌برند. این تأکید تنها برای آن صورت می‌گیرد تا مردمان آنان را در جرگه ما بهتران قرار ندهند؛ چنان‌که فرستادن هر پیامبری به زبان قومش نیز برای امکان ارتباط درست تر و آسان تر و پیروی از آموزه‌ها و رفتار و منش و کنش آنان است.

با این همه مشکل هم چنان پا برجاست و عده‌ای نمی‌توانند این را بپذیرند. این در حالی است که قرآن به نمونه‌هایی از مردمان عادی و غیر پیامبر از اولیای الهی اشاره می‌کند تا این نوع تفکر را از جامعه و مردمانش بزداید. معرفی اولیای الهی چون اهل بیت عصمت و طهارت از آن رو صورت گرفت تا سرمشق‌های دیگری ارایه گردد که به نظر بیرون از دایره پیامبری هستند.

در زمان ما مشکل دیگری پدیدار شده است که افراط‌پر داری درباره اولیای الهی است به گونه‌ای که آنان را دور از دسترس قرار می‌دهد و امکان پیروی از آنان را از مردمان عادی سلب می‌کند. در حالی که قرآن می‌کوشد تصویری انسانی از ایشان به دست دهد تا امکان الگوبرداری از آنان برای همگان فراهم آید.

با این نگرش است که در مقاله حاضر به بازخوانی آیاتی می‌پردازیم که درباره حضرت فاطمه زهرا(س) و اهل بیت عصمت و طهارت وارد شده است تا دریابیم چرا و چگونه آنان سرمشق شدند و از چه راه‌هایی می‌توان به آنان تاسی کرد و به راه ایشان درآمد و همان نتایج را در زندگی و آخرت به دست آورد.

فاطمه در نگرش قرآن

قرآن برای فاطمه زهرا(س) خصوصیات و ویژگی‌هایی را بر می‌شمارد که برپایه آن به مقام انسان کامل دست یافته و در جرگه ایشان درآمده و بر همگان به ویژه زنان است تا از ایشان پیروی و تاسی کنند. این خصوصیات و صفات هم در آموزه‌های عمومی و کلی قرآن وجود دارد و هم امکان آن برای دیگران فراهم است تا خود را به مقام انسان کامل برسانند. در این تحلیل و تبیین قرآنی ما با فاطمه به عنوان یک بشر رو به رو می‌شویم نه با شخصیتی که دست نیافتنی می‌باشد.

۱- کمال اخلاص

نخستین ویژگی که قرآن برای فاطمه (س) یاد می کند اخلاص است. اخلاص صفتی است که می بایست همه مومنان از آن برخوردار باشند تا به مقام کمال و سعادت برسند. هرچند که برای اخلاص مراتبی بیان شده است ولی راه آن بر روی همگان باز است.

قرآن از اخلاص فاطمی به «لوجه الله» تعبیر می کند و می فرماید: انما نطعمکم لوجه الله لا نرید منکم جزاء و لاشکورا؛ ما این طعام خویش به مسکین و اسیر و یتیم را تنها برای رضایت و خشنودی او می دهیم و از شما پاداش و سپاسی نمی خواهیم. (انسان آیه ۹)

۲- الگوی ایثارگری

از ویژگی دیگر آن حضرت، ایثارگری است که در آیات چندی این صفت ستوده شده و از مومنان خواسته شده است که همواره ایثار را در نظر داشته باشند تا به کمال دست یابند.

آن حضرت همانند مساله اخلاص به این دعوت الهی پاسخ مثبت می دهد و صفت ایثار را در خویش تقویت کرده و به عنوان ایثارگر شناخته و از سوی خدا معرفی می گردد.

فاطمه (س) به عنوان سرمشق عینی و ملموس از سوی خدا معرفی می شود. آن حضرت با آن که خود علاقه به خوراک داشته و نیاز شدیدی بدان احساس می کرده است با این همه از علاقه و نیاز خویش چشم پوشی می کند و دیگران را بر خود برتری داده و خوراک دلخواه خویش را به آنان می بخشد.

در این مساله آن حضرت به آیه دیگر و آموزه ای از آموزه های قرآن نیز عمل می کند که می فرماید انسان در هنگام انفاق و بخشش و صدقات می بایست از آن چه دوست می دارد و علاقه مند بدان است انفاق و بخشش کند که آن حضرت در این جا به آن آموزه و حیانی نیز عمل می کند. بنابراین در این حرکت آن حضرت به آموزه های چندی از قرآن عمل می کند و صورت تحقق و تجسمی آن را به دیگران نشان می دهد. با آن که نیاز شدیدی به غذا داشت از خود می گذرد و از آن چیز بخشش می کند که دوست می دارد و بدان علاقه مند است.

در این رخداد که قرآن در آیاتی چند آن را گزارش می کند و می کوشد تا مردمان از آن الگوبرداری کنند، به

مساله نگرش معادی آن حضرت نیز اشاره می شود و تاثیر باور و اندیشه قیامت در رفتار و منش انسان در دنیا به خوبی به نمایش گذاشته می شود.

قرآن گزارش می کند که آن حضرت به همراه خانواده بزرگوارش از ترس عذاب آخرت و روز رستاخیز و ایمنی از عذاب دردناک آن، از حق و نیاز خویش می گذرد و دیگری را بر خویش مقدم می دارد: انا نخاف من ربنا یوما عبوسا قمطریرا؛ (انسان آیه ۱۰)

آن حضرت نشان می دهد که یکی از راه های رهایی از عذاب دوزخ و مسایل سخت روز قیامت آن است که انسان اتفاق کند و مخلصانه در راه خدا به نیازمند کمک نماید.

۳- سرآمد صابران

از دیگر خصوصیتی که قرآن در سوره انسان بدان اشاره می کند صفت صبر و شکیبایی است که حضرت فاطمه (س) و دیگر اعضای خانواده بدان ستوده می شوند. این صفت نیز از صفات مومنان است که قرآن بدان سفارش می کند و از مردمان می خواهد که خود را به این صفات بیاریند.

فاطمه (س) در زندگی خویش به شیوه های مختلف و در زمان های بسیار، شکیبایی خویش را به نمایش گذاشت به گونه ای که می توان از او به عنوان مجسمه شکیبایی و صبر یاد کرد. امیرمومنان (ع) این صفت و منش فاطمه (س) را می ستاید و از او به صابره یاد می کند. او در زندگی مشترک خویش با امیرمومنان (ع) بسیاری از مشکلات و رنج ها را تحمل کرد و در راه رضای خدا و همسرش دم بر نیاورد. در راه عزت دین و سرافرازی اسلام و تعالی کلمه الله آن چنان شکیبایی کرد که تنها خدا و رسول و همسرش از آن آگاه هستند. این گونه است که خداوند خود در مقام ستایش از ایشان برآمده و آن حضرت و خانواده گرامی اش را به عنوان صابران می ستاید و پاداش جنت را با خصوصیات و ویژگی های خاصش که در آیات چندی بیان می کند (انسان آیات ۸ تا ۲۱) به عنوان امری بدیهی برای ایشان ضمانت می کند. (انسان آیه ۱۲)

۴- الگوی میانه روی

از دیگر ویژگی هایی که قرآن برای فاطمه و اهل بیت (ع) برمی شمارد و همگان می توانند بدان دست یابند،

اعتدال و میانه روی در همه حوزه های اعتقادی و بینشی و منشی است. آنان هم در اعتقادات خویش و هم در امور زندگی اجتماعی و سیاسی و اقتصادی و هم در امور مادی و هم معنوی از اعتدال و میانه روی برخوردار بودند. این صفتی است که قرآن در آیات بسیاری مردمان را بدان می خواند و با اشاره به فاطمه(س) و خانواده اش نشان می دهد که آنان به این صفت دست یافته اند و می توانند به عنوان سرمشق عملی دیگران مطرح شوند.

قرآن در آیه ۱۴۳ سوره بقره به امتی میانه رو بودن آن حضرت و اهل بیت(ع) اشاره می کند و می فرماید: و کذلک جعلناکم امه وسطا لتکونوا شهداء علی الناس؛ ما شما اهل بیت(ع) را امت میانه رویی قرار دادیم تا به عنوان گواهان عینی و ملموس بر مردمان باشید. به این معنا که کسی مدعی نشود که ما نمونه و سرمشقی برای میانه روی نداشته ایم و نمی دانستیم که چگونه باید اعتدال و میانه روی داشته باشیم.

امام صادق(ع) امت وسط را اهل بیت(ع) معرفی می کند و آنان را به عنوان مصداق اتم و اکمل نشان می دهد (کافی ج ۱ ص ۹۳) علامه طباطبایی(ره) در المیزان توضیح می دهد که چون امت وسط و میانه، شاهد و گواه اعمال مردم می شوند، می بایست از حقایق آنان آگاه باشند. در نتیجه امت شاهد باید افراد خاصی از امت اسلام باشند که می توانند به حقایق آگاهی یابند. از این رو تنها اهل بیت(ع) هستند که می توانند گواه و شاهد امت بوده و به عنوان مصداق کامل و اتم امت وسط مطرح شوند (نگاه کنید المیزان ذیل همین آیه)

البته امت عصر نبوی نیز به عنوان مصداقی از امت شاهد نسبت به دیگر جوامع و انسان نیز می تواند مطرح باشد ولی چنانکه گفته شد مصداق کامل و اتم امت وسط اهل بیت(ع) و از جمله فاطمه(س) است. از این رو حضرت برای زنان و مردان شاهدی صادق و راستین است و کسی نمی تواند بگوید که این امکان برای من فراهم نبوده که آنطور که خداوند و پیامبرانش خواسته اند رفتار کنم و به مقام انسان کامل برسم؛ زیرا مصداق عینی و گواهانی وجود دارند که با تلاش خویش به این مقام رسیده اند و حتی به عصمت خاص دست یافته اند.

۵- مظهر نیکوکاری

از دیگر ویژگی آن حضرت می توان به مظهر نیکوکار بودن وی اشاره کرد. قرآن بیان می کند که آن حضرت و خانواده بزرگوارش مظهر ابرار و نیکان هستند (انسان آیه ۵ و ۶)

این صفات و صفات دیگر موجب شده است که آن حضرت به عنوان پیشوا مطرح شود. البته امامتی که برای فاطمه (س) مطرح است از جهاتی با دیگر ائمه اهل بیت تفاوت هایی دارد که این مقام جای بحث و بررسی آن نیست ولی با این همه در برخی از ویژگی های امامت با ائمه دیگر همراه می باشد. از آن جمله می توان به پیروی از ایشان در امور سیاسی و اجتماعی و فرهنگی و موارد دیگر اشاره کرد.

آن حضرت از همین رو به عنوان مصداق بارز راسخان در علم و عالمان به تأویل قرآن در قرآن یاد شده است (آل عمران آیه ۷) که می بایست مردمان به ایشان رجوع نمایند، چنان که تاریخ نیز گزارش کرده است آن حضرت این گونه بود و مردم برای کسب علم تأویلی آیات قرآن به ایشان مراجعه می کردند.

نتیجه تلاش ها و مجاهدات آن حضرت در انجام دستورها و آموزه های قرآن، وی را به مقامی از انسانیت رساند که از آن به عصمت یاد می شود. قرآن به صراحت در آیه ۳۳ سوره احزاب از عصمت آن حضرت از پلیدی یاد می کند و به این عنوان وی را می ستاید.

آثار خصوصیات زهرا (س)

آثار این ویژگی ها، اموری است که قرآن بدان پرداخته و در حوزه های چندی آن را بیان می کند. این حوزه ها شامل حوزه های اخلاق فردی و جمعی و دنیا و آخرت است. در این جا به برخی از آثار قرآن برای خصوصیات روحی و روانی آن حضرت بیان داشته اشاره می شود.

۱- لزوم محبت فاطمه (س)

از جمله این آثار می توان به لزوم دوستی آن حضرت (س) اشاره کرد. بنابر حکم قرآنی، بر مردمان است که وی را دوست بدارند و رفتار و اعمالی را در پیش بگیرند که خشنودی وی را موجب می شود. این مسئله برای کسانی که به آن حضرت عشق می ورزند و محبت می کنند سود دنیوی و اخروی خواهد داشت. (شورا آیه ۲۳) البته دوستی آن حضرت به ابراز ارادت قلبی نیست بلکه به پیروی از آن حضرت و عمل به رفتار و کردار اوست. بنابراین کسی که می کوشد تا به حکم تکلیف و وظیفه دوستی خویش را به آن حضرت نشان دهد می بایست رفتار و منش و کنش آن حضرت را نیز سرلوحه زندگی خویش قرار دهد.

قرآن به دو مورد از نتایج دوستی به آن حضرت و اهل بیت(ع) اشاره می کند که چگونه دوستی و محبت به ایشان موجب می شود انسان از آمرزش و لطف الهی برخوردار گردد. (شورا آیه ۲۳) و نیز از پاداش خاص الهی بهره مند شود. (سبا آیه ۴۷)

امام باقر(ع) در این باره به توضیح و تبیین این مسئله می پردازد که چرا در آیه ای پیامبر مزدی برای رسالت نمی خواهد ولی در آیه ۲۳ شورا از مردم مزد رسالتی خواسته شده که همان محبت به اهل بیت(ع) است؛ امام باتوجه به آیه ۴۷ سوره سبا می فرماید که جمله فهو لکم بیان می دارد که این مزد برای خود مردمان است و آنان خود از آثار این مزد بهره مند می شوند. (تفسیر قمی ذیل آیه)

۲- امکان توسل به فاطمه(س)

از دیگر آثاری که قرآن برمی شمرد امکان توسل به آن حضرت و بهره مندی از مقام ایشان برای رفع گرفتاری ها و رسیدن به خواسته های مشروع است. چنان که حضرت آدم(ع) برای توبه پذیری به ایشان و خانواده اش تمسک جسته و خود را رهنانیده است. (بقره آیه ۳۷) در برخی از ادعیه آمده است که ذکر: اللهم بحق فاطمه و ایها و بعلها و بنیها و السر المستودع فیها؛ می تواند در توسل به حق نقش مفید و تأثیرگذاری را ایفا کند و این مسئله از سوی بسیاری به عنوان مجرب یاد شده است.

۳- نجات از عقبات قیامت

رهایی از ترس از قیامت و آثار دردناک و وحشتناک آن یکی از آثاری است که قرآن در آیات ۷ تا ۱۰ سوره انسان بدان پرداخته است.

۴- درود و صلوات

از دیگر آثار رشد و تعالی آن حضرت، می توان به مسئله صلوات از سوی خداوند و فرشتگان و وجوب آن بر مؤمنان اشاره کرد. این مسئله از آن رو مطرح می شود که صلوات در حقیقت یادکرد همیشگی مقام ایشان و بهره مندی از روش و منش آنان است. (احزاب آیه ۵۶)

۵- حضور در میدان مباحله

از دیگر آثاری که قرآن بدان اشاره دارد مسئله حضور آن حضرت در مباحله است که بیانگر مقام والای انسانی آن حضرت در پیشگاه الهی است که اگر نفرین و دعایی کند مستجاب می شود. (آل عمران آیه ۶۱) در حقیقت مستجاب الدعوه شدن یکی از آثاری است که آن حضرت به پشتکار و تلاش خویش بدان دست یافت و این امکان برای پیروان آن حضرت فراهم است که در صورت تاسی به این اثر و دیگر آثار دست یابند.

آن چه بیان شد گوشه ای از فضایل و درجات آن حضرت در پیشگاه خداست که هر انسان مؤمنی می تواند با

پیروی از ایشان به این مقام انسانی نائل شود.